



# رصد فرهنگی؛ ابعاد و راهکارها

♦ بایک نگاهداری

کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، گر ایش مطالعات فرهنگی

## چکیده

مقوله و مفهوم «فرهنگ» یکی از پرکاربردترین واژه‌ها در زندگی اجتماعی انسان‌هاست و نمی‌توان حد و حدود مشخصی برای کاربرد این مفهوم قائل شد. گستردگی معنایی و شمول این مفهوم سبب شده است که بسیاری از امور انسانی توسط آن توصیف، تشریح و تبیین شود. سیر تکامل جوامع انسانی باعث شده است که مفهوم فرهنگ دارای پیچیدگی‌های خاص شود. بر اساس این گستره و پیچیدگی، گروهی از صاحب‌نظران نظارت و مدیریت بر حوزه فرهنگ را امری غیرممکن و هرگونه تلاش برای کنترل و هدایت این حوزه را محکوم به شکست می‌دانند. از سوی دیگر جمعی از صاحب‌نظران، فرهنگ و تغییرات آن را تا حدی قابل رصد و هدایت و مدیریت می‌پندارند. از نگاه این گروه، فرهنگ مجموعه‌ای از چهار جز، اصلی یعنی ارزش‌ها، آگاهی‌ها و عقاید، هنجارها و نمادهای حاکم بر جوامع انسانی است و مدیریت فرهنگی فرایندی برای ارزیابی و رصد تغییرات

این اجزا و برنامه‌ریزی برای هدایت به وضع مطلوب اجزای فرهنگی است. از آنجا که در یک نظام اجتماعی حوزه فرهنگ در حال تبادل با سایر حوزه‌ها نظیر سیاست، اقتصاد و اجتماع است، مسائل و پدیده‌های موجود در هر یک از این عرصه‌ها تأثیری قابل توجه بر روند فرهنگی هر جامعه خواهد داشت. بنابراین بررسی تغییرات فرهنگی نمی‌تواند فرایندی محدود در بخش فرهنگ باشد و ارتباط دوسویه‌ای با سایر مسائل جامعه دارد. از سوی دیگر، در فرایند تحلیل و ارزیابی مسائل فرهنگی گذشته، حال و آینده به گونه‌ای با هم مرتبط می‌شوند و محدوده زمانی قابل توجهی در رصد فرهنگی باید مدنظر قرار گیرد. بنابراین طراحی نظامی برای ارزیابی و رصد فرهنگی و کنکاش ابعاد مختلف موضوع کاری بس دشوار بوده و دارای پیچیدگی فراوان است. نگارنده در این پژوهشنامه درصدد بوده است با انجام مصاحبه‌های کیفی با تعدادی از صاحب‌نظران فرهنگی مطرح در کشور نظامی را برای انجام ارزیابی و رصد فرهنگی طراحی کند. انتخاب این صاحب‌نظران بر طبق نظر افراد مطلع انجام شده است.

معنای نظر کردن در احوال اجرام علویه با آتی مخصوص است که حکما به جهت آن غرض، وضع کرده‌اند. (دهخدا)

**فرهنگ:** تعاریف متعدد و فراوانی تاکنون از سوی صاحب‌نظران حوزه فرهنگ پیرامون این واژه ارائه شده است که نگارنده به علت پرهیز از اطاله بحث قصد ورود به این مباحث را ندارد. به طور خلاصه فرهنگ دارای دو بعد عینی و ذهنی است. ابعاد ذهنی در مؤلفه‌هایی از قبیل: مقوله‌بندی، تداعی معانی، باورها، ارزیابی‌ها، معانی ضمنی، انتظارات، هنجارها، قوانین، خودشناسی‌ها، عقاید قالب، مطلوب‌ها و ارزش‌ها و نیز معنی رفتار تجلی می‌یابد. در واقع موارد فوق نگرش مردم را به محیط و دنیای پیرامون خود نشان می‌دهد. ابعاد عینی فرهنگ، در میراث فرهنگی، هنرهای تجسمی، سینما، نقاشی، خط، آثار باستانی، ادبیات، رفتارها و... ملاحظه می‌شود.

در این تحقیق فرهنگ مجموعه مرکبی از ارزش‌ها، عقاید، هنجارها و نمادها در نظر گرفته شده است که در یک جامعه پذیرفته شده و پایداری آن به صورت غیررسمی و جمعی تضمین شده است. آنچه در این پژوهش مد نظر بوده است، فرهنگ در ارتباط با کلیه حوزه‌های نظام اجتماعی یعنی اقتصاد، سیاست، اجتماع و فرهنگ است.

وقتی به واقعیت‌های فرهنگی از یک طرف و معانی و نظریه‌های فرهنگ از سوی دیگر نگاه می‌کنیم، به این نتیجه می‌رسیم که فرهنگ چهار مؤلفه یا جزء اصلی دارد. این اجزا عبارتند از: (طالبی، ۱۳۷۵)

۱. آگاهی و عقاید؛

۲. ارزش‌ها؛

۳. هنجارها؛

۴. نمادها.

آگاهی، درک و تعاریف واقعیت‌ها از میان گروه، جامعه و کنشگران اجتماعی است. نباید آگاهی را با دانش علمی یکسان شمرد. آگاهی‌ها تعاریف و معانی هستند که جنبه اجتماعی و عمومی دارند. ارزش عبارت است از معیار تعریف وضع مطلوب امور و معیار

انتخاب در میان گزینه‌های مختلف که به صورت غیرمشروط و غیرپیامدگرا هستند که وضع مطلوب را به کنشگر نشان می‌دهند. هنجارها قواعد عمل ناظر بر موقعیت‌های خاص، پیامدگرا و مشروط می‌باشند. هنجارها در ذات خود مشروط به زمان و مکان و اعمال دیگران هستند، ولی ارزش‌ها ضرورت‌های قطعی هستند. نمادها علامت‌های قراردادی و سازوکاری است که در چارچوب یک نظام فرهنگی، پدیده‌های عینی و ملموس را به معانی مربوط می‌سازد.

اما مفهوم اصطلاحی «رصد فرهنگی» به جهت نبودن آن، دارای ابهام خاصی است که با عنایت به معانی لغوی و انجام مصاحبه‌های اکتشافی تلاش کردیم به آن مفهوم نزدیک شویم، تا در نهایت تعریفی از رصد فرهنگی ارائه کنیم.

#### هدف کلی

هدف از انجام مصاحبه‌های اکتشافی پیرامون موضوع رصد فرهنگی، ارائه تعریفی دقیق از رصد فرهنگی از یک سو و طراحی ابعاد و فرایندهای چگونگی انجام رصد فرهنگی از سوی دیگر است.

#### روش پژوهش

این مطالعه با روش انجام مصاحبه‌های کیفی با صاحب‌نظران فرهنگی و سپس تحلیل مضمونی انجام شده است. انتخاب افراد برای مصاحبه بر طبق نظر خبرگان صورت گرفته است. در این مطالعه با افراد زیر در تاریخ‌های مذکور مصاحبه صورت پذیرفته است:

- حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر حسام‌الدین آشنا، عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)، در مورخه ۱۳۸۲/۱۰/۱۵.

- حجت‌الاسلام والمسلمین سیدعباس نبوی، رئیس وقت مؤسسه توسعه و تمدن اسلامی، در مورخه ۱۳۸۲/۱۰/۸.

- دکتر سعید معیدفر، رئیس وقت انجمن جامعه‌شناسی ایران و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران، در مورخه ۱۳۸۳/۴/۲۴.

- دکتر بهرام محمدیان، معاون وقت طرح

#### فضای مفهومی

صرفنظر از معنای لغوی و اصطلاحی «فرهنگ»، واژه «فرهنگی»، مشخص‌کننده نوع و صیغه رصد و نیز تعیین‌کننده حوزه‌ای است که رصد در آن انجام می‌شود؛ چرا که می‌توان حوزه‌های دیگری را مانند: نجوم، اقتصاد، عملیات نظامی و... در کنار آن تصور کرد.

**رصد:** رصد را مراقبت، کمین، راه نگاه داشتن، کسی یا چیزی را چشم‌داشتن، نظردوختن به چیزی و به خاطر کسی در راه گذرگاه وی نشستن معنا کرده‌اند و به کسی که در راه برای نهبانی می‌نشیند، راصد گفته‌اند. مشهورترین کاربرد واژه رصد در علم نجوم است. رصد در این علم به

و برنامه‌ریزی استاد اقامه نماز، در مورخه ۱۳۸۲/۱۲/۳.

- دکتر محسن الویری، عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)، در مورخه ۱۳۸۲/۱۱/۱۶.

- حسن عباسی، رئیس مرکز بررسی‌های دکترینال امنیت بدون مرز، در مورخه ۱۳۸۳/۳/۳.

پرسش‌های مصاحبه در سه محور اصلی تعریف رصد فرهنگی، دامنه عملیاتی رصد فرهنگی و روش و چگونگی انجام رصد فرهنگی در کشور صورت پذیرفته است. به علت ابهام در فضای مفهومی رصد فرهنگی از یک سو و اختلاف نظر در میان صاحب‌نظران در مورد گستره دخالت مدیریت فرهنگی در عرصه‌های مختلف فرهنگ و طراحی نظام لازم برای تحقق عملی موضوع، سه محور مذکور انتخاب شده‌اند.

#### یافته‌های پژوهش

#### تعریف رصد فرهنگی

رصد کردن یعنی آماده‌شدن و پیش‌فرض دادن برای آینده. به عبارت دیگر، یعنی شناخت موقعیت زمانی و مکانی و عالم به زمان بودن. اکنون بحث رصد فکری- فرهنگی در مطالعات جدید علوم انسانی، تحت عنوان «آینده‌پژوهی» مطرح شده است (بهرام محمدیان، مصاحبه، ۱۳۸۲/۱۲/۳).

منظور از فرهنگ، فرایند کشت و زرع است. اینکه زمین ذهن آحاد جامعه را آمیخت و آیش کنیم، و بذر معرفتی مناسب را در آن بکاریم و این کاشت، داشت و برداشت را صورت دهیم تا به باور شخص تبدیل شود. سپس میوه آن، رفتاری است که از او سر می‌زند. منظور از رصد فرهنگی، این است که روند حرکت فرهنگی در جامعه را مانیتورینگ کنیم تا متوجه کاستی‌های روند کاشت، داشت و برداشت باورهای مطلوب شویم. (حسن عباسی، مصاحبه ۱۳۸۳/۳/۳)

رصد فرهنگی یعنی بررسی وضعیت موجود فرهنگی جامعه. به عبارت دیگر، یعنی کشف آنچه در عینیت فرهنگی جامعه در حال اتفاق افتادن است (محسن الویری،

مصاحبه ۱۳۸۲/۱۱/۶) و نیز شناخت فضای فرهنگی کشور که شامل کالبدشکافی

مسائل فرهنگی موجود در جامعه است (سیدعباس نبوی، مصاحبه، ۱۳۸۲/۱۰/۸).

رصد فرهنگی، نوعی نظارت و کنترل بر حوزه فرهنگی جامعه است. (سعید معیدفر، مصاحبه، ۱۳۸۳/۴/۲۴)

رصد فرهنگی مطالعه مسائل و پدیده‌های فرهنگی از دید تغییر فرهنگ است. به عبارت دیگر، رصد فرهنگی یافتن مسائل فرهنگی، سنجش آنها و آینده‌شناسی فرهنگی است. پس می‌توان با توجه به انواع و سطوح مسائل فرهنگی چنین تعریفی از آن ارائه داد: رصد فرهنگی مطالعه ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای موجود، در حال ظهور یا رو به رشد و در حال زوال و تغییر است. (حسام‌الدین آشنا، مصاحبه ۱۳۸۲/۱۰/۱۵)

#### دامنه عملیاتی رصد فرهنگی

در این بخش سعی شده است که حوزه‌های مختلف و تأثیرگذار بر فرهنگ جامعه، شناسایی و تبیین شوند. بنابراین منظور از دامنه عملیاتی رصد فرهنگی، تعیین حوزه‌هایی است که باید مورد مطالعه و رصد قرار گیرند.

- اقداماتی که در گذشته انجام داده‌ایم، به منظور شناسایی نقاط قوت و ضعف ارزیابی آنها.

- اقداماتی که در حال انجام آنها هستیم، به منظور سنجش میزان رضایت‌مندی عاملان و گروه‌های مخاطب و هدف.

- آینده فرهنگی. یعنی گذشته و حال را مبنا قرار می‌دهیم برای پیش‌بینی آینده (آینده‌پژوهی)

نکته: در مطالعه گذشته، آنچه مهم است کشف قانون‌مندی‌های بین اتفاقات و وقایع گذشته و تحلیل چگونگی شکل‌گیری آنهاست.

- جریان‌های فکری، معمولاً متفکران به دو صورت در این حوزه تأثیرگذار هستند:

۱. گاهی متفکران به طور عمیق کار می‌کنند و فکر، حاصل تفکر خودشان است. در خصوص آن دسته از جریان‌های فکری که

حاصل چنین متفکرانی است، باید دو حوزه رصد شود:

الف) شناسایی صاحبان فکر (خواص یا نخبگان) که در حوزه‌های مختلف تأثیرگذارند.

ب) شناسایی عناصر حیاتی حقیقی یا شبه‌حقیقی تفکر.

۲. گاهی متفکران فقط موج‌آفرینی می‌کنند. به عبارت دیگر، ایشان صاحب اصلی فکر نیستند؛ مانند: فکر ترجمه‌ای. در مورد آن نوع از جریان‌های فکری که حاصل تلاش چنین متفکرانی است، باید در سه حوزه رصد شود:

الف) شناسایی مبدأ فکر؛

ب) شناسایی مقصد فکر؛

ج) شناسایی بسترهای رشد فکر.

- تحولات اجتماعی.

- جریان‌های فرهنگی در حوزه‌های کتاب، مطبوعات و نشریات، شخصیت‌ها، احزاب، هنر و ورزش. (بهرام محمدیان، مصاحبه ۱۳۸۲/۱۲/۳)

جریان فرهنگی فراتر از یک مسئله و فعالیت فرهنگی محدود است؛ مجموعه‌ای از پدیده‌های فرهنگی که بخشی قابل توجه از جامعه را مشغول می‌سازد و مدیریتی نسبت به آن اعمال می‌شود. بنابراین یک جریان فرهنگی خود به خود شکل نگرفته است و نقطه شروع آن، هم می‌تواند داخلی باشد و هم خارجی. اساساً اگر زمینه‌های داخلی موجود نباشد، جریانی که در خارج تولید و هدایت می‌شود، در داخل موفق نخواهد بود.

جهت شناسایی یک جریان باید اقدامات زیر انجام پذیرد:

الف) ابتدا باید بر اساس آرمان‌ها و اسنادی که آرمان‌ها را منعکس می‌کنند- قانون اساسی، رهنمودهای امام (ره) و رهبر فرزانه انقلاب- اولویت‌ها روشمندانه مشخص شوند.

ب) دو حوزه زیر با توجه به آن اولویت‌ها رصد شوند:

- حجم تولیدات فرهنگی؛ نظیر: شمارگان

(تیراز) کتاب‌هایی با مضامین خاص و فراوانی انجمن‌ها و گروه‌های رسمی و غیررسمی.

- میزان تأثیرپذیری مردم؛ ظهور تأثیرات حسب جریان‌های مختلف فرهنگی، متفاوت است:

۱) در رفتار: اگر نتیجه جریانی در رفتار متجلی باشد؛ مثل لابلالی‌گری.

۲) در عقاید و باورها: مثل تضعیف اعتقاد به معاد (ممکن است در رفتار ظاهر نشود یا ظهورش کم‌رنگ باشد).

۳) در گرایش‌ها (محسن الویری، مصاحبه ۱۳۸۲/۱۱/۶)

از نگاهی دیگر سه حوزه جهت جریان‌شناسی باید رصد شوند که به قرار زیر هستند:

- **حوزه افشاری:** نخبگان، دانشجویان و کارگزاران فرهنگی که خود سه حوزه اصلی پژوهش در فرهنگ است.

- **حوزه فرهنگ عمومی:** مردم منهای قشر بنیادینشان.

- **حوزه موضوعی:** ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارها (حسام‌الدین آشنا، مصاحبه ۱۳۸۲/۱۰/۱۵)

به‌طور مثال، جریان پست‌مدرن؛ این یک بار فلسفی دارد که رصدش باید در حوزه فرهنگ خواص صورت پذیرد و بارهای هنری، ورزشی و اجتماعی آن، باید در حوزه فرهنگ عمومی مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد.

- گروه‌های مرجع اصلی در جامعه؛ یعنی ورزشکاران، هنرپیشه‌ها، خوانندگان و ...

- رسانه‌های عمومی و خصوصی؛ نظیر تلویزیون، ویدئوها، VCDها، اینترنت و نشریات (عباسی).

- حوزه‌های معرفتی (لایه‌های غیر معرفتی مانند موج هستند و پایدار نیستند) که از طریق آثار مکتوب ماندگارند. اساساً شبهه‌های فرهنگی در سه حوزه مطرح می‌شوند:

۱) در حوزه اثبات مکتب مانند شبهه‌های مطرح‌شده در بحث دین و دینداری.

۲) در حوزه شناخت مکتب نظیر شبهه‌های ایجادشده در بحث‌های ارث زن و مرد و نیز

وقوع شر در عالم.

۳) در حوزه اجرای مکتب مانند شبهه‌های فردی‌بودن دین و عدم مدخلیت آن در زندگی اجتماعی و تعاملی مردم. ادبیات، هنر، رمان و داستان در دو حوزه اخیر مطرح می‌شوند. (بهرام محمدیان، مصاحبه ۱۳۸۲/۱۲/۳)

- وجوه فرهنگی مسائل غیرفرهنگی و جنبه‌های غیرفرهنگی مسائل و پدیده‌های فرهنگی؛ پدیده فرهنگ صرفاً یک مسئله فرهنگی نیست؛ یعنی باید فرهنگ را در جنبه‌ها و وجوه غیرفرهنگی‌اش هم ملاحظه کرد؛ نظیر مباحث اقتصاد فرهنگی (مشاغلی که جوهره فرهنگی دارند) و فرهنگ اقتصادی (تبعات فرهنگی یک تصمیم اقتصادی). در واقع فرهنگ با ابعاد دیگر جامعه در ارتباط است و این ارتباط نه تنها در سطح بلکه در عمق نیز وجود دارد (محسن الویری، مصاحبه ۱۳۸۲/۱۱/۶). به عبارت دیگر، در بحث رصد فرهنگی، صرفاً گزاره‌های فرهنگی مطرح نیست. امروز

عصر پیچیدگی‌های مؤلفه‌ها و منابع اصلی قدرت است. منابع اربعه قدرت ملی شامل سیاست، فرهنگ، اقتصاد و نظامی هستند که هیچ یک از دیگری جدا نبوده بلکه در هم مؤثرند. از این رو، نمی‌توان رصد فرهنگی را بدون رصد سیاسی، اقتصادی و نظامی انجام داد. پس به نوعی باید از یک رصد جامع نام ببریم نه از رصد فرهنگی. به عبارت دیگر باید به رصد جامع فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و نظامی بپردازیم و کلیه تحولاتی که خروجی فرهنگی دارند را مانیتورینگ کنیم. از طرف دیگر، چون فرهنگ دارای چهار حوزه فرهنگ خواص یا نخبگان، فرهنگ عوام، فرهنگ خصوصی و فرهنگ عمومی است، باید هم‌پوشی‌های اقتصاد، سیاست و نظامی‌گری خواص، عوام، عمومی و خصوصی با این چهار حوزه فرهنگ رصد شود. (حسن عباسی، مصاحبه ۱۳۸۲/۳/۳)

- فرهنگ جهانی و تأثیرات آن بر فرهنگ جامعه ما. منظور از فرهنگ جهانی، فرهنگ سلطه است. یعنی آن فرهنگی که خصوصیت اثرگذاری آن بالا و برجسته است. (محسن الویری، مصاحبه ۱۳۸۲/۱۱/۶)

البته در عصر حاضر نمی‌توانیم به صراحت از مفاهیم فرهنگ داخلی و فرهنگ خارجی، اقتصاد داخلی و اقتصاد خارجی، سیاست داخلی و سیاست خارجی، امنیت داخلی و امنیت خارجی و ... سخن بگوییم؛ چرا که بسیاری از مسائل، از بیرون مرزها می‌آیند؛ حتی مفاهیمی نظیر: فرهنگ بدون مرز، سیاست بدون مرز، اقتصاد بدون مرز و امنیت بدون مرز معنا یافته‌اند. پس به سه لایه مانیتورینگ نیاز داریم: اول: مانیتورینگ و رصد جامعه ملی که ذکر شد؛ دوم: رصد جامع منابع اربعه، قدرت جهانی یعنی فرهنگ، اقتصاد، سیاست و نظامی‌گری جهانی؛ و سوم: مانیتورینگ و رصد جامع بدون مرز؛ شامل: فرهنگ بدون مرز، سیاست بدون مرز، اقتصاد بدون مرز و امنیت بدون مرز. هم‌پوشی این سه لایه مطالعه، فرایند رصد فرهنگی کاملی را شکل می‌بخشد. (حسن عباسی، مصاحبه ۱۳۸۲/۳/۳)



**منظور از رصد فرهنگی، این است که روند حرکت فرهنگی در جامعه را مانیتورینگ کنیم تا متوجه کاستی‌های روند کاشت، داشت و برداشت باورهای مطلوب شویم.**

فرهنگ جهانی می‌تواند به دو شکل زیر بر فرهنگ جامعه ما تأثیر گذار باشد که باید به هر دو شکل آن رصد و اقدامات مناسبی اعمال شود.

**الف) تأثیرات مثبت فرهنگ جهانی:**  
نظیر گسترش عدول نخبگان جهان از مبانی نظری و دستاوردهای تمدن جدید غرب، باید این مسئله و مسائلی از این دست رصد و انتقالش به داخل کشور تشویق و تقویت شود، نه اینکه تنها قسمت‌های خاصی از فرهنگ جهانی که با سنت‌های ما در تضاد است به درون کشور وارد شود؛ چرا که الان بخشی از مردم ما به دنبال چیزی هستند که نزد خود غربی‌ها اعتبارش را از دست داده است. به عنوان مثال: اقتصادمحور بودن برخی از صاحب‌نظران ما در بحث توسعه، که از دهه ۶۰ و ۷۰ به بعد به ترتیب بحث‌های انسان، فرهنگ و وجوه آن، اخلاق و معنویت و دین در مطالعات توسعه به عنوان وجوه دیگر توسعه مد نظر قرار گرفته است.

**ب) تأثیرات منفی فرهنگ جهانی:**  
بحث تهاجم فرهنگی که یک مبحث کاملاً جدی و واقعی است، در این بخش جای

در بحث رصد  
فرهنگی، صرفاً  
گزاره‌های فرهنگی  
 مطرح نیست. امروز  
عصر پیچیدگی‌های  
مؤلفه‌ها و منابع  
 اصلی قدرت است.  
منابع اربعه قدرت  
 ملی شامل سیاست،  
فرهنگ، اقتصاد و  
نظامی هستند. هیچ  
یک از دیگری جدا  
نیستند، بلکه در هم  
مؤثرند. از این رو،  
نمی‌توان رصد  
فرهنگی را بدون رصد  
سیاسی، اقتصادی و  
نظامی انجام داد.

در حال حاضر، بسیاری از بخش‌های زندگی، تفکر و رفتار ما تحت تأثیر تمدن امروزی است که منشأ آن غرب است. البته آنچه امروز به عنوان «غرب» می‌شناسیم، به معنای مطلق غرب نیست و بخشی از آن مال خودمان است؛ زیرا ادامه همان تاریخ فرهنگ و تمدنی است که خودمان قبلاً در آن مشارکت داشتیم. پس نباید در پی تعیین کردن غربی با شرقی بودن تحولات جاری باشیم.

برخی از تحولاتی که از بیرون می‌آیند، نسبت به آنچه در درون ساخته می‌شود، خیلی بیشتر خودی هستند و همان مطلبی که فرموده‌اند: مبدا دیگران در عمل به قرآن از شما پیشی بگیرند. باید بپذیریم که هر فرهنگ و تمدن وجوه خیر و شر دارد. مسلماً آنچه مهم است، جنبه‌های مخرب فرهنگی است که می‌تواند داخلی یا خارجی باشد. بنابراین نباید مبنا را بر تفکیک بیرونی و درونی قرار داد. امروز باید تعریفی از هویت ارزش‌ها و اصول ارائه کرد و مبنا را بر تفکیک بین خوب و بد، اصلی و غیراصیل قرار داد. اما گاهی کلیت یک تمدن، فرهنگ و جنبه‌های ابتدالی غرب، ما را تهدید می‌کند که مسلماً باید در مقابل آنها بایستیم و مقاومت کنیم. (سعید معیدفر، مصاحبه ۱۳۸۳/۴/۲۴)

برای رصد تأثیرات فرهنگ جهانی باید در حوزه ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارها، مسئله تماس فرهنگی را مطالعه کنیم. بنابراین ابتدا باید شاخص‌های فرهنگ غرب یا هر فرهنگ دیگری که با ما در تماس است را بشناسیم و سپس مطالعه و رصد کنیم تا در فرهنگ موجود اقبشار مختلف جامعه ما، چه میزان از آن ارزش‌های فرهنگی وجود دارد. ابعاد رصد این تأثیرات دو حوزه اقبشار و فرهنگ‌های تخصصی است. فرهنگ‌های تخصصی نظیر: حوزه‌های فرهنگ پزشکی، فرهنگ دانشگاهی، فرهنگ دینی. در واقع در هر یک از زیربخش‌های تخصصی و موضوعی فرهنگ، تأثیر تماس فرهنگی بررسی می‌شود. (حسام‌الدین آشنا، مصاحبه ۱۳۸۲/۱۰/۱۵)



می‌گیرد. تأثیرات منفی فرهنگ جهانی می‌توانند هویت ما را خدشه‌دار سازند؛ مثل مسئله تضاد سنت و مدرنیسم که ما هنوز نتوانسته‌ایم این تضاد را به یک رابطه و تعامل منطقی و مشخص تبدیل کنیم. سنت‌ها در میان مردم ما بسیار عمیق و ریشه‌دارند و دین به عنوان چیزی فراتر از سنت و مدرنیسم، بخشی مهم از فرهنگ ما را تشکیل می‌دهد. ما باید سه مقوله سنت، فرهنگ جهانی - که محصول مدرنیسم است - و دین را به نحوی با هم هماهنگ سازیم.

روش کار در این خصوص باید دو وجه داشته باشد:

- استفاده از روش‌های فرهنگی نسبت به مردم خود؛ و

- برخورد شدید با عوامل گسترش این بخش از فرهنگ جهانی در جامعه؛ چون آنها فرهنگ را برای یک نوع سلطه سیاسی و هدفی غیرفرهنگی ابراز کرده‌اند. چه بسا تا مقطعی از این روش سود جویند، پس برخورد فرهنگی در مقابل آنها کارساز نیست. (محسن الویری، مصاحبه ۱۳۸۲/۱۱/۶)

- سطوح مختلف مسائل فرهنگی - ارزش‌ها و رفتارها - در سه نوع متفاوت آن: الف) ارزش‌ها و نگرش‌ها و رفتارهایی که در حال ظهور و پدیدار شدن هستند. ب) ارزش‌ها و نگرش‌ها و رفتارهایی که موجود هستند و دارای ثبات نسبی در جامعه هستند.

ج) ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارهایی که در حال تغییر و زوال هستند.

در رصد فرهنگی، اولویت (از نظر اولویت مطالعاتی و دانشگاهی، نه از نظر اولویت حکومتی و مردمی) با مسائل فرهنگی در حال ظهور و در حال زوال و تغییر است، زیرا وقتی مسائل فرهنگی در حال ظهور در جامعه پذیرفته شدند، در عمل به مسائل فرهنگی موجود تبدیل می‌شوند. اما محور اصلی مطالعه و رصد ما باید رفتارهای قابل مشاهده موجود، در حال ظهور و رو به زوال و تغییر باشد. رفتارهای قابل مشاهده

نظیر: زبان، سبک زندگی، مسکن‌گزینی، پوشاک، اوقات فراغت، مصرف فرهنگی، کالاهای فرهنگی و فضاهای فرهنگی است. (حسام‌الدین آشنا، مصاحبه ۱۳۸۲/۱۰/۱۵)

- زمینه‌های موجود در فرهنگ عمومی، که پدیدآورنده یا شتاب‌دهنده نیازهای تعاملی و ارتباطی انسان است. (سیدعباس نبوی، مصاحبه ۱۳۸۲/۱۰/۸)

- مجموعه فعالیت‌های شورای عالی انقلاب فرهنگی را می‌توان حوزه تحت‌پوشش نظام رصد فرهنگی جهت انجام ارزیابی و رصد دانست. (سعید معیدفر، مصاحبه ۱۳۸۳/۴/۲۴)

### روش و چگونگی انجام رصد فرهنگی

رصد فرهنگی به دو صورت فعال و منفعل انجام می‌شود. در رصد منفعل، هیچ اراده تغییر نسبت به حرکات فرهنگی وجود ندارد، اما در رصد فعال است که می‌توان حرکات و جریان‌های فرهنگی را به گونه‌ای پیش برد تا به نتیجه‌ای مطلوب دست یافت. (حسن عباسی، مصاحبه ۱۳۸۳/۳/۳)

رصد فرهنگی در راستای الگویی آرمانی انجام می‌گیرد که آن الگو باید تا حدی مبتنی بر واقعیت‌های اجتماعی باشد. بنابراین نقطه هدف در رصد فرهنگی باید رسیدن به آن اصول و الگوی آرمانی در آینده باشد. برای رصد فرهنگی سه بعد را می‌توان در نظر گرفت:

اول: تعیین کلیه مختصات وضعیت اجتماعی و فرهنگی موجود؛

دوم: تعیین مختصات به نسبت آرمان‌گرایانه که تا حدی متناسب با وضع موجود باشد، اما از آن فاصله دارد (وضع مطلوب)؛ و

سوم: تدوین برنامه‌ای برای رسیدن از وضع موجود به نقطه هدف یا وضع مطلوب. برای تحقق بعد نخست، به عالمان علوم اجتماعی به معنای عام نیازمندیم و در بعد دوم، به ترکیبی از متخصصان علوم اجتماعی به معنای عام، عالمان علوم دینی و یا رهبران

جامعه، استراتژیست، تاریخ‌شناس و فیلسوف احتیاج داریم و در بعد سوم، به افرادی نیازمندیم که ضمن داشتن تخصص در علوم مدیریت و برنامه‌ریزی، از لحاظ تجربی نیز دارای توانایی مدیریتی، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی باشند.

شورای عالی انقلاب فرهنگی در رأس دستگاه‌های فکری و فرهنگی جامعه، مهم‌ترین نهاد سیاست‌گذاری در امر فرهنگ است. این شورا در ارتباط با امر رصد فرهنگی، اولاً: نیازمند تدقیق و متناسب‌ساختن اصول سیاست فرهنگی نظام جمهوری اسلامی با مختصات جامعه ایرانی است و ثانیاً: باید با مطالعه وضعیت موجود در جریان‌های تأثیرگذار فرهنگی، در فاصله‌ای میان وضع موجود و وضع آرمانی و مطلوب، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کند تا دستگاه‌ها اجرا نمایند و ممکن است شورا برای اینکه بداند این دستگاه‌ها وظایف خودشان را در راستای آن سیاست‌ها انجام می‌دهند، نوعی نظارت بر فعالیت‌های فرهنگی آنها داشته باشند. البته دستگاه‌ها باید در تولید داده‌ها و اطلاعات نیز به شورای عالی انقلاب فرهنگی کمک کنند. (سعید معیدفر، مصاحبه ۱۳۸۳/۴/۲۴)

شورای عالی انقلاب فرهنگی، یک ستاد فرهنگی است که باید قرارگاه عملیاتی امر رصد باشد و به مانیتورینگ بپردازد. (حسن عباسی، مصاحبه ۱۳۸۳/۳/۳)؛ زیرا مناسب‌ترین دستگاه جهت انجام رصد فرهنگی، شورای عالی انقلاب فرهنگی است. شورا باید در این خصوص، پیگیر و با همت و اراده فعالیت و به درستی مدیریت کند؛ یعنی جهت مأموریت تمامی دستگاه‌های موجود فرهنگی کشور، سیاست‌گذاری واحدی صورت دهد و تمام امکانات دستگاه‌ها، نهادها و سازمان‌های فرهنگی نظیر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، صداوسیما، مساجد و... را مد نظر قرار دهد و به نحو بهینه از آنها استفاده کند. در این صورت هیچ نیازی به تأسیس دستگاه جدید فرهنگی جهت امر رصد احساس نمی‌شود.

شورا می‌تواند مرکزی را زیر نظر رهبری یا رئیس‌جمهور شکل دهد که رصد فرهنگی کند. این مرکز باید از امکانات مختلف نرم‌افزاری، سخت‌افزاری و از همه مهم‌تر دارای مغزافزاری باشد و متخصصان مختلفی را در حوزه‌های فرهنگی، علوم معرفتی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی، علوم سیاسی، روان‌شناسی و ... خصوصاً جهت بخش مغزافزاری جذب کند؛ چرا که بخش مغزافزاری است که ایجاد برنامه (نرم‌افزار) یا طوفان فکری می‌کند و از این رو، این بخش را نخبگان محقق می‌سازند.

نکته مهم اینکه این نخبگان و کارشناسان باید با هم از ابعاد نظری و علمی ارتباط دائمی داشته باشند، نه اینکه گسسته از هم عمل کنند، بلکه باید متخصصان مختلف هماهنگ با هم در عرصه‌های متفاوت داده‌پردازی کنند. بنابراین شایسته است ایشان در بدو امر حدود شش-هفت ماه با همدیگر تعامل گفتاری و تبادل نظر داشته باشند تا یک نوع زبان مشترک بینشان ایجاد و سپس با مسائل واقعی مواجه شوند. در این صورت وقتی به تحلیل و آینده‌نگری می‌پردازند، جوانب و ضوابط قانونی (قانون پدیده‌ها) را لحاظ می‌کنند و اجزای کار را می‌سنجند.

دیگر اینکه این مرکز باید از تنگ‌نظری‌های معمول دوری کند و با دیدی ملی، مصلحت‌اندیشی و حقیقت‌یابی کند (بهرام محمدیان، مصاحبه ۱۳۸۲/۱۲/۳). خطر بزرگ کارهایی نظیر رصد فرهنگی این است که کار در اختیار نهادهای سیاسی و قضایی قرار گیرد و کنترلش از حوزه فرهنگ به حوزه سیاست منتقل شود. (حسام‌الدین آشنا، مصاحبه ۱۳۸۲/۱۰/۱۵)

برای رصد فرهنگی یک اتاق عملیات و وضعیت نیاز است. پیشنهاد می‌کنم حتماً مطالعات خاصی در خصوص شبکه نظام فرماندهی کنترل (C413S) و کلیه منابع مربوطه که در اختیار نیروهای مسلح باشد، صورت بگیرد. دانش بسیار پیشرفته‌ای است. می‌توان از نظامی‌ها ایده گرفت و ساز و

کاری فراهم کرد تا بتوان کنترل فرهنگی نمود. آنها در آن شبکه، اخبار و اطلاعات را جمع‌آوری و آنالیز می‌کنند و ضمن بهره‌دهی و انتشار آن به حوزه‌های مربوطه، طرح عملیاتی را از درون آن بیرون آورده و اجرا می‌کنند. در مانی‌تورینگ و رصد جامع، به نگاهی تاریخی نیز نیاز داریم؛ چرا که آنچه امروز رصد می‌کنیم، ریشه در گذشته دارد. (حسن عباسی، مصاحبه ۱۳۸۳/۳/۳)

بنابراین در تحلیل پدیده‌های جدید فرهنگی، باید به ریشه‌های پنهان آن که همان ریشه‌ها و پشتوانه‌های تاریخی آن هستند، توجه کرد. قسمتی از این ریشه‌ها به اسلام و قسمتی دیگر به هویت ایرانی برمی‌گردد. اما نه اینکه اول بیابیم ریشه‌ها و لایه‌ها را استخراج و دسته‌بندی کنیم و بعد که خواستیم موضوعی فرهنگی را تحلیل کنیم، مشخص کنیم که آن موضوع به کدام ریشه مربوط است. بلکه باید حسب مورد کار کرد. شاید در موارد کمی نظیر برخی از خصوصیات ایرانی‌ها مانند: دین‌گرایی و توحیدگرایی و... کلیاتی وجود داشته باشد که می‌تواند به عنوان ریشه برخی از مظاهر فرهنگی مدنظر قرار گیرد. اگر تولیدات ما در خصوص استخراج ریشه‌های لایه‌های زیرین یک مسئله زیاد شد، می‌توان از کنار هم قراردادن آنها به تحلیل‌هایی دست یافت. اما برخی از مسائل دارای گذشته تمدنی نیستند، نظیر آنچه به بحث فرهنگ مجازی و رایانه‌ای ارتباط پیدا می‌کند. بنابراین در مورد اینها که پدیده دو، سه دهه اخیر هستند، معنی ندارد که به دنبال استخراج لایه‌های عمیق و پنهان بود و به طور عمده راهکار استخراج این ریشه‌ها و لایه‌ها، روش‌های تاریخ‌پژوهی است. (محسن الویری، مصاحبه ۱۳۸۲/۱۱/۶)

اما باید توجه داشت که ریشه‌دار بودن برخی از مقولات و مسائل فرهنگی، دلیلی بر حقانیت آن نیست، مثل سنت جاهلی اعراب؛ زیرا حقانیت مسئله با معیاری دیگر سنجیده می‌شود. اما پژوهش‌های ریشه‌ای در مورد پدیده یا مسئله فرهنگی کمک

می‌کند که بفهمیم آیا فلان پدیده یا مسئله جدید است یا شکل و ظهوری دیگر از پدیده یا مسئله‌ای قدیمی است. برای تحلیل ریشه‌ای پدیده‌های فرهنگی باید به سنت، تاریخ و دیگر منابع فرهنگی قدیم نظیر: آداب و رسوم، فولکلورها، ضرب‌المثل‌ها و ... رجوع کرد. (بهرام محمدیان، مصاحبه ۱۳۸۲/۱۲/۳)

بررسی ریشه‌های فرهنگ و پدیده‌های آن خیلی زمان‌بر است، ولی رصد خطای کار را پایین می‌آورد و اگر یک بار انجام شود، می‌توان گفت: از آن به بعد هر حرکتی صورت پذیرد، در طرح و برنامه کلی کار، موجود است. برای این کار به ساز و کار «Time Line» و نرم‌افزارهای خاص آن نیاز است. بنابراین باید یک «Time Line» به عمق فرهنگ کشور تعریف کرد که دارای سه باند فرهنگ دینی، شرقی و غربی باشد تا بتوان تمامی پدیده‌ها و جریانات مربوط به سه فرهنگ مذکور و تغییر و تحولاتشان را در جایگاه خود قرار داد و باند‌های آن را مدام به‌روز کرد. نظام مانی‌تورینگ و رصدش هم مشابه کاری است که نیروهای مسلح انجام می‌دهند. با این روش به راحتی نیز می‌توان تأثیرات فرهنگ جهانی را بر فرهنگ داخلی رصد کرد. (حسن عباسی، مصاحبه ۱۳۸۲/۳/۳)

اگر زیرساخت‌های نظام رصد فرهنگی فراهم نشود، رصد به صورت سلیقه‌ای انجام می‌شود. پیش‌نویسی به مسئولیت اینجانب (محسن الویری، مصاحبه ۱۳۸۲/۱۱/۶) در برنامه ایران ۱۴۰۰ در خصوص ویژگی‌های فرد مطلوب و جامعه مطلوب تهیه شده که اگر رویش کار شود، می‌تواند به یک سند قابل قبول تبدیل شود. چون منابع لازم در اختیار است، فراهم آوردن زیرساخت‌های رصد فرهنگی حدود چهار سال کار دارد. هنوز مباحث تئوریک فرهنگ حل نشده است؛ آنها هم چهارساله حل نمی‌شود؛ چرا که قدمت برخی از آنها به اندازه قدمت بشر است، ولی در عین حال می‌توان پایه قابل اعتمادی را بنا نهاد تا همه بر مبنای آن به

رصد پردازند.

ابتدا باید میان همه دست‌اندرکاران اجرایی فرهنگ، صاحب‌نظران و نخبگان حوزه فرهنگ پیرامون مسائل و جریان‌ات فرهنگی وفاق حاصل شود؛ زیرا این امر (مسئله‌شناسی و جریان‌شناسی فرهنگی) یک تعامل همیشگی طلب می‌کند. بنابراین باید سازوکاری طراحی و تدوین شود تا نیروهای هر دو بخش نظری و عملی فرهنگی با یکدیگر تعامل همیشگی داشته باشند و این تعامل و تبادل نظر همیشه باید در جهت حصول وفاق و تحکیم‌بخشیدن به آن باشد. بعد از این مرحله، باید با توجه به جامعه، تعیین شاخص کنیم؛ یعنی ویژگی‌های یک جامعه مطلوب دینی را به دست آوریم و چون بحث‌های فرهنگی علاوه بر داشتن هویت اجتماعی، فردی نیز می‌باشند باید خصوصیات یک انسان مطلوب و آرمانی دین‌محور را هم مشخص سازیم. برخی از این ویژگی‌ها و خصوصیات، عمومیت دارند، یعنی مربوط به زمان و مکان خاصی نیستند. ولی همین ویژگی‌ها و خصوصیات نیز باید با شرایط خاص تاریخی و جغرافیایی کنونی ما هماهنگ شوند تا به کار آیند.

سپس براساس آنها، شاخص‌بندی و بعد مشاهده کنیم جامعه ما و انسان‌های تشکیل‌دهنده آن، چقدر به آن ویژگی‌ها و خصوصیات نزدیک هستند که هر چه نزدیک‌تر باشند، مطلوب‌تر است.

اینجاست که اهمیت بحث امامت و مهدویت و جامعه موعود برای ما معلوم می‌شود. یعنی امام (علیه‌السلام) همان شخصیت مطلوب و جامعه آرمانی همان جامعه مطلوب است. بنابراین باید مطابق ویژگی‌های امام و جامعه آرمانی که جامعه دین‌مدار است شاخص‌بندی کرد، نه اینکه شاخص‌های سازمان‌هایی نظیر یونسکو را اعمال کرد؛ زیرا خاستگاه نظری شاخص‌هایی که منطبق بر آن خصوصیات و ویژگی‌هاست، با خاستگاه نظری شاخص‌های یونسکو مغایر است. به عنوان مثال، یونسکو «کتاب‌خواندن» را به عنوان یک شاخص

امروز باید تعریفی از  
هویت، ارزش‌ها و اصول  
ارائه کرد و مینا را بر  
تفکیک بین خوب و بد،  
اصلی و غیراصیل قرار  
داد. اما گاهی کلیت یک  
تمدن، فرهنگ و جنبه‌های  
ابتدالی غرب، ما را تهدید  
می‌کند که مسلماً باید  
در مقابل آنها بایستیم و  
مقاومت کنیم.

فرهنگی مثبت اعلام کرده است (یونسکو، ۱۳۷۸)، حال آنکه در یک جامعه دینی تنها خواندن کتاب مطلوب نیست، بلکه «چه کتابی خواندن» مهم است. با این دید در حیطة غیرفرهنگی نیز نظیر میزان مصرف آب، تغییراتی پدید می‌آید.

به دنبال تدوین شاخص‌ها، باید متناسب با آنها، در ساختار و اهداف نهادها و دستگاه‌های موجود فرهنگی یا مربوط به حوزه فرهنگ بازنگری صورت گیرد و یا شاید لازم باشد دستگاه جدیدی طراحی و تأسیس شود. اما رصد فرهنگی را قطعاً می‌توان بر پایه پتانسیل فرهنگی موجود، خصوصاً دست‌اندرکاران حوزه فرهنگ کشورمان انجام داد. ولی اگر زیرساخت‌ها فراهم نشود و استحکام نیابد، هیچ دستگاهی برای امر رصد فرهنگی سودمند نیست. (محسن الویری، مصاحبه ۱۳۸۲/۱۱/۶)

رصد فرهنگی از راه انجام دو بخش مهم





ذیل تحقق می‌یابد:

- جمع کردن بین دو مسیر مطالعه و پژوهش (مسیر نظری و تئوریک جهت شاخص‌گذاری واقعیت‌ها و مسائل فرهنگی) در اینجا نیازمند مطالعات دینی عمیق و قوی هستیم. چون بسیاری از شاخص‌ها و ارزش‌ها از درون دین می‌آیند. این مطالعات باید همه‌جانبه باشند. از این رو، باید دانشمندان تمامی علوم و رشته‌های تخصصی مختلف به کمک آیند؛ زیرا برای سامان دادن به فرهنگ عمومی (نیازهای ثانویه) باید به نحو اثرگذاری و نوع برآورده‌شدن نیازهای اولیه بر فرهنگ عمومی فکر کنیم. فرهنگ عمومی مصرف‌کننده تمامی دانش‌هاست، حتی دانش‌های نظری محض مانند: منطق و فلسفه.

پس با توجه به جامعه ما، اول به جنبه‌های دینی توجه می‌کنیم، ولی به همان اندازه به جنبه‌های عرفی و ایرانی و تجربی و عقلانی عنایت داریم.

نکته مهم این است که در بخش مطالعات ریشه تاریخی، نه تنها سودی ندارند بلکه قابلیت آن را دارند که مشکل بیافرینند؛ زیرا در این گونه مطالعات، اختلاف آرا و تفاسیر محققان، معضلاتی را پدید می‌آورند.

- مطالعات آماری و میدانی با تکیه بر الگوها و فرصت‌های ریاضی (واقعیت‌شناسی آماری با تکیه بر علم ریاضیات تحلیلی محض) تا شاخص‌های تعیین شده در بخش قبل دسته‌بندی و طبقه‌بندی شوند.

برای شناخت زمینه‌ها، باید جزئیات آشفستگی نیازهای انسانی را بررسی آماری کنیم تا به آنالیز دقیقی از نیازها و آشفستگی‌هایشان در عرصه فرهنگ عمومی دست یابیم. وقتی زمینه‌ها دقیقاً شناخته شدند، به کمک شاخص‌ها، ارزش‌ها و هنجارهای دینی، ملی، تجربی و عقلانی - در بخش قبل، توسط نخبگان و دانشمندان علوم مختلف کشف شده‌اند- به آن زمینه‌های موجود در فرهنگ عمومی، پاسخی مناسب، بهنگام و مطلوب می‌دهیم؛ چرا که نباید گذاشت فرهنگ عمومی در حال خلاً آشفستگی طی

مسیر کند. وقتی شاخص‌ها تعیین و نیازها و زمینه‌های موجود تشخیص داده شد، آمارها به طور طبیعی، واقعیت‌ها را به تصویر می‌کشند و آینده را پیش روی ما می‌گذارند. (سیدعباس نبوی، مصاحبه ۱۳۸۲/۱۰/۸)

به طور کلی باید سه نوع پژوهش بنیادی، کاربردی و راهبردی در مسئله رصد فرهنگی در نظر گرفته شود تا بتوانیم ماحصل رصد را به سیاست‌های بازدارنده یا حمایت‌کننده تبدیل کنیم:

الف) جهت پژوهش‌های بنیادی به پژوهش‌های تاریخی، مفهومی و پدیدارشناختی احتیاج داریم.

ب) جهت پژوهش‌های کاربردی به سه نوع پژوهش در خصوص مسائل فرهنگی - ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارها - موجود، در حال ظاهرشدن یا رو به رشد و در حال تغییر و زوال نیاز داریم و بسته به نوع و سطح مسئله فرهنگی، روش‌های مختلفی را به کار می‌گیریم. جهت سنجش ارزش‌ها - که عمیق‌ترین لایه‌های فرهنگ هستند - روش‌های ژرفانگر، کیفی و مطالعات عمقی نظیر سرگذشت‌پژوهی، پنل، گروه متمرکز، مصاحبه‌های عمقی و مشاهده‌های عمیق به کار می‌آید و برای سنجش نگرش‌ها از پرسشنامه و مصاحبه‌های ساخت‌یافته

#### در خصوص بررسی همه‌جانبه مسائل

#### فرهنگی به متخصصان فرهنگ‌شناسی

#### نیازمندیم. بدین منظور باید مطالعات فرهنگی در کشور تقویت شود.

#### مطالعات فرهنگی،

#### بین‌رشته‌ای است که

#### شامل جامعه‌شناسی،

#### روان‌شناسی،

#### مردم‌شناسی و ارتباطات

#### می‌شود. این چهار

#### تخصص با هم جمع

#### می‌شوند و تخصص

#### فرهنگ‌شناسی را که یک

#### تخصص بین‌رشته‌ای

#### است، ایجاد می‌کنند.



استفاده می‌شود و جهت مشاهده رفتارها- خارجی‌ترین لایه‌های فرهنگ که قابل مشاهده‌اند- به مشاهده مشارکتی فعال و غیرفعال روی آورده می‌شود. اما محور اصلی مطالعه ما در این بخش (پژوهش‌های کاربردی) باید رفتارهای قابل مشاهده موجود، رو به ظهور و رو به زوال و تغییر باشد.

ج) پژوهش‌های راهبردی، پژوهش‌های بنیادی و کاربردی را در سیاستگذاری نقد می‌کند؛ یعنی به قانون و سیاست تبدیل می‌کند.

نکته مهم این است که ما به پژوهش‌های

عمیق نیاز داریم تا در پژوهش‌های کاربردی بتوانیم شاخص‌های خوبی تعیین کنیم. بعد باید برش تاریخی بزنیم و با عنایت به آن شاخص‌ها، وضع موجود آن مقطع تاریخی (مثل سال ۱۳۸۳) را در حوزه‌های ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارها ثبت کنیم و این را برای مطالعه تغییرات آینده مبدأ قرار دهیم. اهمیت این روش در این است که شاخص‌های واحدی برای سنجیدن تغییر پیدا می‌شود. به عنوان مثال، پرسشنامه‌های ما در طول سال‌های آتی تکرار می‌شود و این طور نمی‌شود که امسال چیزی سنجیده شود و سال دیگر چیز دیگری سنجیده شود که با هم قابل مقایسه نباشند.

نکته دیگر اینکه در خصوص بررسی همه‌جانبه مسائل فرهنگی به متخصصان فرهنگ‌شناسی نیازمندیم. بدین منظور باید مطالعات فرهنگی در کشور تقویت شود. مطالعات فرهنگی، بین‌رشته‌ای است که شامل جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، مردم‌شناسی و ارتباطات می‌شود.

این چهار تخصص با هم جمع می‌شوند و تخصص فرهنگ‌شناسی را که یک تخصص بین‌رشته‌ای است، ایجاد می‌کنند. (حسام‌الدین آشنا، مصاحبه، ۱۳۸۲/۱۰/۱۵)

وقتی می‌توانیم به تحلیلی علمی و اجتماعی از پدیده‌های فرهنگی دست یابیم که دارای این دو رکن و ابزار مهم باشیم:

اول، داشتن اطلاعات و دانستن وضع موجود؛ و دوم، داشتن نگاه به آینده و نقطه هدف؛ به عبارت دیگر برخوردار بودن از دیدگاه‌ها و نظرها یا اهداف. اشراف بر تاریخ معاصر ایران و تحولات تاریخ فرهنگ در این دوره، همچنین با شناختن واکنش‌های جامعه ایران در مقابل تغییر و تحولات کافی است تا بتوانیم به شناختی از وضع موجود، تحولاتش و آینده آن دست یابیم. (سعید معیدفر، مصاحبه ۱۳۸۳/۴/۲۴)

پس از شناسایی مسائل و جریان‌ات فرهنگی، اینها باید از لحاظ داخلی و خارجی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و نظامی مورد

تجزیه و تحلیل قرار بگیرند و برای این کار به تمامی تخصص‌ها در فرهنگ، سیاست، اقتصاد و مسائل نظامی نیاز است تا به نگاهی همه‌جانبه‌نگر و سیستمی دست یافته شود؛ چرا که نبود آن صدمه جدی در پی خواهد داشت. (حسن عباسی، مصاحبه ۱۳۸۳/۳/۳)

برای رصد کردن احتیاج به تأسیس دستگاه فرهنگی جدید نیست، بلکه باید همین دستگاه‌های موجود را هدایت کرد و از آنها خواست که رصد کنند. درخصوص الگو و روش انجام رصد، مجموعه‌ای از روش‌ها و الگوها در پژوهش‌های فرهنگی موجود است که باید سامان پیدا کنند.

در کل می‌توانیم دو الگو ارائه کنیم:

الف) شورای عالی انقلاب فرهنگی، راهبری این موضوع را به عهده بگیرد و نقش ستادی داشته باشد و نقش صف را وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان صداوسیما، سازمان تبلیغات اسلامی، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و وزارت ورزش و جوانان ایفا کنند.

ب) شورای عالی انقلاب فرهنگی کل موضوع رصد فرهنگی را به یک مؤسسه مستقل واگذار کند و آن مؤسسه از طرف شورا مأموریت یابد و خود، کارهای مربوط را در سازمان‌های دیگر توزیع کند.

توضیح اینکه اگر شورا بنیه تخصصی لازم را داشته باشد، الگوی اول مناسب است و اگر این تخصص در شورا وجود نداشته باشد، الگوی دوم مناسب است و مزیت الگوی دوم این است که آن مؤسسه مستقل، بودجه مستقلی می‌گیرد و طرف قرارداد می‌شود و خود کارها را توزیع می‌کند. این گونه قدرت حساب‌کشی شورای عالی انقلاب فرهنگی افزایش پیدا می‌کند. (حسام‌الدین آشنا، مصاحبه ۱۳۸۲/۱۰/۱۵)

### نتیجه‌گیری

### تعریف رصد فرهنگی

رصد فرهنگی عبارت است از تحلیل و بررسی ارزش‌ها، نگرش‌ها، هنجارها و رفتارهای موجود در جامعه، در سطح فرهنگ عمومی و خرده‌فرهنگ‌ها که



برای مسئله‌شناسی فرهنگی در بین توده عام مردم و پایش جریان‌های فرهنگی در حال شکل‌گیری، موجود و یا در حال زوال تولیدشده از سوی نخبگان و در حوزه‌های مختلف جامعه اعم از فرهنگ دینی، فرهنگ سیاسی، فرهنگ اقتصادی، فرهنگ مدنی و فرهنگ علمی انجام می‌گیرد و هدف آن آینده‌نگری فرهنگی و شناسایی به‌موقع جریان‌ها و مسائل فرهنگی و ارائه راهبردهای مواجهه صحیح با آنهاست.

### ابعاد رصد فرهنگی

### بررسی مقاطع مختلف زمانی

هر پدیده فرهنگی در یک طیف زمانی قابل تحلیل و بررسی است. مسائل امروز فرهنگی در عین حال که ریشه در گذشته دارند، دارای تأثیراتی نیز در آینده خواهند بود. بنابراین از حیث زمانی رصد فرهنگی دارای ابعاد زیر خواهد بود:

- ارزیابی عملکرد فرهنگی گذشته در حوزه‌های مختلف برای بررسی نقاط قوت و ضعف.

- ارزیابی وضعیت کنونی به منظور سنجش رضایت‌مندی عاملان و گروه‌های مخاطب.

- آینده‌پژوهی و پیش‌بینی آینده فرهنگی.

### جریان‌های فرهنگی

در هر جامعه‌ای جریان‌های فرهنگی دارای نقش مهمی در رشد فکری مردم و شکل‌گیری ذهنیت عمومی جامعه هستند. جریان‌های فرهنگی از جنبه‌های مختلفی قابل بررسی هستند.

- **منشأ و مبدأ جریان:** نخبگان و صاحبان فکری که تولید اندیشه می‌کنند، متفکران موج‌آفرینی که مترجم و بازگوکننده افکار دیگران در سطح جامعه هستند؛

- **شناسایی بسترهای رشد جریان فکری:** زمینه‌های داخلی و خارجی شتاب‌دهنده یا کندکننده جریان؛

- **مقصد تأثیرگذاری جریان:**

- **حوزه‌های معرفتی:** اثبات مکتب، شناخت مکتب، اجزای مکتب (ارزش‌ها و

عقاید اساسی یا فرعی)؛

- **حوزه‌های اخلاقی:** هنجارها و رفتارهای اساسی یا فرعی؛

- ویژگی‌های جریان؛

- رو به رشد و ظهور؛

- تثبیت‌شده؛

- در حال تغییر و زوال؛

- گستره جریان؛

- میزان تأثیرگذاری جریان.

### حوزه‌های فرهنگی

فرهنگ در هر نظام اجتماعی در ارتباط

متقابل با سایر حوزه‌های نظام اجتماعی

نظیر: اقتصاد، اجتماع، سیاست و نظایر آن و

همچنین فرهنگ سایر جوامع بوده و بر آنها

تأثیر گذاشته و تأثیر می‌پذیرد. در سایه چنین

ارتباطی مفاهیم زیر اهمیتی ویژه در رصد

فرهنگی پیدا می‌کنند:

- فرهنگ ملی؛

- فرهنگ جهانی (وجه مثبت و منفی) و

فرهنگ‌های خارجی (غربی و شرقی)؛

- فرهنگ دینی؛

- فرهنگ اقتصادی؛

- فرهنگ سیاسی؛

- فرهنگ اجتماعی؛

- فرهنگ عمومی.

### سطوح رصد فرهنگی

پدیده‌های فرهنگی بنا به گستره

تأثیرگذاری خود فرهنگ عمومی یا

خرده‌فرهنگ خاصی را تحت تأثیر قرار

می‌دهند. بنابراین ارزیابی تغییرات فرهنگی

باید در دو سطح زیر صورت پذیرد:

- فرهنگ عمومی؛

- خرده‌فرهنگ‌ها.

### محصولات و کالاهای فرهنگی

در دنیای مدرن با پیشرفت فناوری و

صنایع فرهنگی هر روز شاهد تولید صدها

محصول فرهنگی در قالب کتاب، آثار

هنری، فیلم‌های سینمایی، اسباب‌بازی،

بازی‌های رایانه‌ای و... هستیم که نقشی

مهم در فرهنگ‌سازی دارند.

- محصولات فرهنگی تولید داخل

کشور؛

- محصولات فرهنگی وارداتی از خارج از کشور.

### رسانه‌ها

رادیو، تلویزیون، اینترنت، مطبوعات،

نشریات و...

### گروه‌های مرجع اصلی در جامعه

گروه‌های مرجع به افرادی گویند که گفتار

و کردار آنها در جامعه به‌عنوان الگو برای

مردم و به‌ویژه جوانان قرار می‌گیرد و دارای

تأثیرگذاری فراوانی در سطح جامعه است.

نظیر: ورزشکاران، هنرپیشگان، دانشمندان

و...

### سبک زندگی

یکی از اصلی‌ترین حوزه‌های رصد

فرهنگی توجه به سبک زندگی و الگوهای

موجود در آن است. رفتار مسکن‌گزینی،

پوشاک و مد لباس، نحوه گذراندن اوقات

فراغت، مصارف فرهنگی و نظایر آن جزئی

از سبک زندگی به‌شمار می‌روند.

### روش‌شناسی رصد فرهنگی

۱. **مسئله‌یابی و مسئله‌شناسی**

**فرهنگی که در سطح توده عام مردم**

**مطرح است:**

- منابع و مآخذ مسئله‌یابی: نگرش‌سنجی‌ها،

گزارش‌های کارشناسی، نهادهای فرهنگی و

سایر انواع مطالعات کمی و کیفی.

- شاخص‌های تعیین مسئله فرهنگی:

تطابق با ملاک‌های دینی، قدرت بالای

تأثیرگذاری بر گستره وسیعی از جامعه،

میزان ثبات و ماندگاری، متوجه اصلی‌ترین

ارزش‌ها و باورهای فرهنگی.

- معیارهای اولویت‌بندی مسائل

فرهنگی.

۲. **جریان‌شناسی فرهنگی که در**

**سطح تولیدات فرهنگی نخبگان**

**جامعه مطرح است:**

- پردازش اطلاعات و تجزیه و تحلیل:

پردازش اطلاعات حاصل از نظام رصد

فرهنگی به روش فراتحلیل و یا تحلیل ثانویه

اطلاعات و بهره‌مندی از روش‌های کیفی

و دیدگاه‌های تخصصی خبرگان صورت

می‌پذیرد. هر یک از مسائل و جریان‌های

فرهنگی از سه بعد مورد توجه قرار می‌گیرد: بعد دین‌شناختی، بعد جامعه‌شناختی و بعد روان‌شناختی.

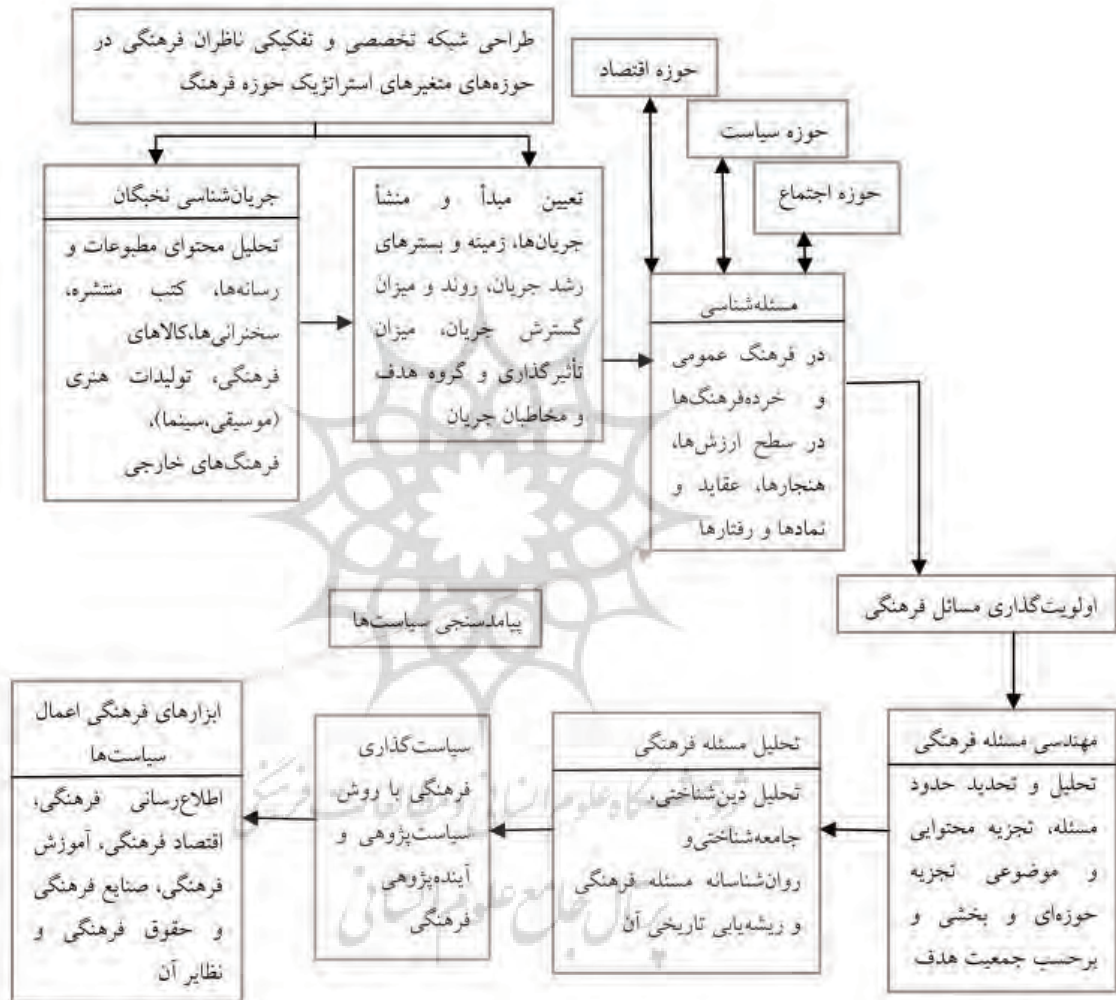
۳. **سیاست‌پژوهی و آینده‌پژوهی:** این بخش از نظام رصد فرهنگی در صد است بعد از فراتحلیل و پردازش نهایی داده‌ها و اطلاعات حاصل از مطالعات پژوهش‌ها،

پیامدهای حاصل از هر سیاست و راهبرد، پیشنهادها لازم برای تقویت، حذف، تغییر و یا اصلاح آن را ارائه می‌کند.

در انتها اگر در صد باشیم مجموعه مباحث ارائه شده در قالب یک طرح نظام‌مند و خلاصه مطرح کنیم، شاید بتوانیم با کمی اغماض الگوی زیر را ارائه دهیم:

دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی، مازر زاک، آن (۱۳۷۹). **روش‌های سیاست‌پژوهی**، ترجمه هوشنگ نایی، تهران: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان.

یونسکو (۱۳۷۸). **بعد فرهنگی توسعه: به سوی رهیافتی علمی**، ترجمه صلاح‌الدین محلاتی. Hofstede, G (2001). **Cultures Consequences: Compating Values, Behaviors, Institutions and**



به تنظیم سیاست‌ها و راهبردهای منتج از نتایج پژوهش‌ها، مطالعات، فراتحلیل‌ها و آینده‌شناسی فرهنگی پیرامون مسئله یا جریان موردنظر، مبتنی بر روش‌های علمی سیاست‌پژوهی و آینده‌پژوهی بپردازد.

۴. **پیامدسنجی:** این مرحله از نظام رصد فرهنگی، به ارزیابی سیاست‌ها و راهبردهای به‌اجرا درآمده پیرامون مسئله یا جریان موردنظر، پرداخته و بعد از پایش

Organization Across Nation. Intl: Sage Pullication.  
Parsons, Talcott (1951). **The Social System**. Illinois: Free Press.  
Unesco. **World Culture Report: Cultural Diversity, Conflict and Pluralism**: U.N.Unesco Pupliching.

**منابع و مأخذ**  
افروغ، عماد (۱۳۷۹). **فرهنگ‌شناسی و حقوق فرهنگی**. تهران: مؤسسه فرهنگ و دانش. تامپسون، جان (بی‌تا). **ایدئولوژی و فرهنگ مدرن**. ترجمه مسعود اوحدی، تهران: مؤسسه فرهنگ آینده‌پویان.  
دوپویی، گزارویه (۱۳۷۴). **فرهنگ و توسعه**. ترجمه فاطمه فراهانی و عبدالمجید زرین‌قلم، تهران: کمیسیون ملی یونسکو در ایران.  
طالبی، ابوتراب (۱۳۷۵). **فرهنگ و جامعه**. تهران: